



## تحلیل حقوقی جامعه‌شناختی بر فرهنگ‌سازی حجاب در حکمرانی جمهوری اسلامی ایران

احمد امیری<sup>۱</sup>، اسماعیل کلانتری<sup>۲</sup>

### چکیده:

با توجه به جایگاه حجاب به‌عنوان یک الزام قانونی در نظام حقوقی حکمرانی جمهوری اسلامی ایران و پیوند عمیق آن با هویت فرهنگی و دینی، فرهنگ‌سازی در این حوزه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مقاله حاضر با رویکردی توصیفی و تحلیلی به بررسی موانع و چالش‌های اجرای مؤثر قوانین مرتبط با عفاف و حجاب به ویژه تعارض میان ارزش‌های سنتی و جریان جهانی شدن، کم‌رنگ‌شدن ارزش‌های دینی در میان نسل جدید، ضعف آگاهی عمومی نسبت به مبانی فلسفی، فقهی و حقوقی حجاب و تأثیر گسترده رسانه‌ها و فضای مجازی در تغییر نگرش‌ها می‌پردازد. در ادامه در بخش راهکارها، بر ضرورت تقویت آموزش و تبیین فلسفه الزام قانونی حجاب، الگوسازی صحیح در رسانه‌ها، تحکیم هویت دینی و فرهنگی و ایجاد فضای امن برای تقویت رویکرد اقناعی و کاهش تقابلی اجتماعی تأکید شده است. در نهایت، چنین تبیین شده است که فرهنگ‌سازی می‌تواند اجرای مؤثر قوانین عفاف و حجاب را تسهیل کرده، از تعارضات اجتماعی بکاهد و هماهنگی میان قانون و فرهنگ عمومی را تقویت کند. بدین ترتیب حجاب از یک الزام صرف قانونی به یک انتخاب آگاهانه و ارزش درونی نزد افراد جامعه تبدیل شود. به کارگیری نتایج این پژوهش توسط سیاست‌گذاران و حکمرانان می‌تواند به حکمرانی بهتر در امر حجاب بینجامد.

**واژگان اصلی:** حجاب، تحلیل حقوقی جامعه‌شناختی، فرهنگ‌سازی، حکمرانی، هویت فرهنگی و دینی، رسانه.

۱. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول)

amiri.ahmad1357@gmail.com

۲. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

## ۱. مقدمه

حجاب در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نه تنها به‌عنوان یک واجب دینی و نماد هویت فرهنگی و دینی زنان مسلمان مطرح است، بلکه به‌صورت الزام قانونی نیز جایگاهی خاص یافته است. با این حال، فرآیند نهادینه‌سازی و فرهنگ‌سازی در زمینه حجاب با چالش‌ها و موانع متعددی روبه‌رو شده که عمدتاً ریشه در تحولات اجتماعی، جهانی‌شدن، تهاجم فرهنگی، کاهش نقش ارزش‌های دینی در میان برخی اقشار به‌ویژه نسل جوان و تأثیر گسترده رسانه‌ها و فضای مجازی دارد (کلانتری و تقدسی، ۱۳۹۹). این چالش‌ها باعث شده است که اجرای قوانین مرتبط با عفاف و حجاب در برخی موارد با مقاومت‌های اجتماعی و تعارض میان ارزش‌های سنتی و مدرن مواجه گردد.

از سوی دیگر، تبیین فلسفه و مبانی فقهی و حقوقی حجاب، آموزش آگاهانه و اقناعی به شهروندان و بهره‌گیری از ظرفیت‌های رسانه‌ای برای الگوسازی، می‌تواند در کاهش این مقاومت‌ها و ارتقای پذیرش اجتماعی قوانین مؤثر باشد. در این میان، بررسی علمی چگونگی پیوند میان رویکردهای حقوقی و فرهنگی در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با حجاب، به‌ویژه از منظر تقویت هویت دینی و فرهنگی و کاهش تقابل‌های اجتماعی، اهمیتی دوچندان دارد. نوآوری این پژوهش در ترکیب تحلیل حقوقی چالش‌ها با ارائه راهکارهای نهادی کاربست‌پذیر است که می‌تواند چارچوبی برای سیاست‌گذاری فرهنگی همسو با اقتضانات جامعه ایران ارائه دهد.

## ۲. چالش‌های فرهنگ‌سازی در حجاب

با وجود اهمیت حجاب، فرهنگ‌سازی در این زمینه با چالش‌های متعددی روبرو است. برخی از این چالش‌ها عبارتند از:

### ۲-۱. تهاجم فرهنگی و جهانی‌شدن

تهاجم فرهنگی و جهانی‌شدن از جمله عواملی هستند که بر چالش‌های فرهنگ‌سازی در حوزه حجاب در ایران تأثیرگذار بوده‌اند. این پدیده‌ها از طریق رسانه‌های جهانی، شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات بین‌المللی، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی متفاوتی را به جامعه ایران منتقل می‌کنند که گاه با ارزش‌های سنتی و دینی کشور در تضاد قرار می‌گیرند. این پدیده‌ها باعث شده‌اند که ارزش‌ها و هنجارهای سنتی مرتبط با حجاب تحت تأثیر قرار گیرند و نگرش‌ها

نسبت به آن تغییر کند. تهاجم فرهنگی به معنای تلاش مستمر و حيله گرانه استکبار برای سلب کردن فرهنگ های اصیل و الهی و جایگزین کردن فرهنگ های مبتذل و مبتنی بر فساد و محروم کردن ملت ها از هویت مستقل دینی و ملی خودشان و سلب اعتماد به نفس و اتکاء به اراده خود به منظور سلطه اقتصادی و سیاسی (قاضی، ۱۳۸۶: ۶۸).

در مورد ایران، این پدیده از طریق رسانه‌های خارجی، فیلم‌ها، سریال‌ها، مد و شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام و تلگرام و ... الگوهای جدیدی از پوشش و رفتار را به جوانان عرضه می‌کند. این الگوها گاه با مفهوم حجاب در فرهنگ اسلامی ایران در تضاد هستند و باعث ایجاد تنش بین سنت و مدرنیته می‌شوند و پیامد آن هویت یابی چندگانه و ایجاد تزلزل در شخصیت و در نهایت منجر به بی توجهی یا کم توجهی آنان به حجاب می‌شود (غلام پور آهنگر، ۱۳۸۲: ۱۱۹). تهاجم فرهنگی می‌تواند هنجارهای سنتی مرتبط با حجاب را تضعیف کند و باعث شود برخی افراد، به ویژه جوانان، حجاب را به عنوان یک الزام فرهنگی یا دینی کمتر بپذیرند. تحت تأثیر فرهنگ‌های دیگر، نگرش‌ها نسبت به حجاب ممکن است تغییر کند و آن را به عنوان یک محدودیت یا نماد عقب‌ماندگی تلقی کنند.

در اثر جهانی شدن افراد با تنوع فرهنگی بیشتری مواجه شده اند و این موضوع سبب شده است که حجاب به عنوان یک هنجار کمتر پذیرفته شود (ربیعی، ۱۳۹۲: ۱۰۱). همین مهم سبب ایجاد فشار برای هم‌سازی با فرهنگ‌های جهانی شد؛ زیرا در عصر جهانی شدن، فرهنگ‌های مختلف به سرعت در حال تعامل و تأثیرگذاری بر یکدیگر هستند. فرهنگ‌های غربی که بر آزادی فردی و سبک‌های پوشش غیرمتعارف تأکید دارند، به راحتی از طریق رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و محصولات فرهنگی به جوامع دیگر نفوذ می‌کنند. این موضوع باعث تضعیف ارزش‌های مرتبط با حجاب در بین جوانان شده است.

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، مقابله با تهاجم فرهنگی یکی از اهداف سیاست‌های کلان فرهنگی محسوب می‌شود که بر مبنای اصول قانون اساسی، به‌ویژه اصول دوم، سوم و بیست و چهارم و همچنین اسناد بالادستی نظیر سیاست‌های کلی نظام و سند چشم‌انداز فرهنگی، مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا، قانون‌گذار و نهادهای مسئول با بهره‌گیری از ابزارهایی همچون تصویب مقررات ناظر بر محدودسازی دسترسی به برخی رسانه‌های خارجی و شبکه‌های اجتماعی، تلاش دارند تا از ورود محتواهایی که مغایر با

ارزش‌های اسلامی، نظم عمومی، اخلاق حسنه و هویت ملی است، جلوگیری نمایند. این اقدامات که در قالب فیلترینگ، پالایش محتوا و اعمال نظارت بر ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی اعمال می‌شود، مستند به قوانین و مقرراتی مانند قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ و آیین‌نامه‌ها و مصوبات شورای عالی فضای مجازی است. هدف اصلی این تدابیر، حمایت از فرهنگ ملی-مذهبی و پیشگیری از بروز آسیب‌های اجتماعی ناشی از نشر محتوای مضر است.

## ۲-۲. کم‌رنگ‌شدن ارزش‌های دینی

متأسفانه در میان برخی از شهروندان ارزش‌های دینی و مذهبی در حال کم‌رنگ‌شدن هستند. این موضوع می‌تواند باعث کاهش تمایل به رعایت حجاب و پوشش مناسب شود. در ایران، حجاب و پوشش به عنوان بخشی از قوانین اسلامی و هویت فرهنگی جامعه تلقی می‌شود. قوانین حجاب در ایران بر اساس تفسیر خاصی از اسلام وضع شده‌اند و رعایت آن برای همه زنان، صرف‌نظر از اعتقادات شخصی، الزامی است. در این چارچوب، بی‌دینی یا عدم اعتقاد به ادیان می‌تواند تأثیراتی بر نگرش افراد نسبت به حجاب و پوشش داشته باشد؛ زیرا افرادی که به دلایل فکری یا اعتقادی بی‌دین هستند، ممکن است حجاب اجباری را به عنوان محدودیتی برای آزادی فردی و بیان هویت خود ببینند. این افراد ممکن است تمایل کمتری به رعایت حجاب داشته باشند یا به دنبال راه‌هایی برای بیان مخالفت خود با این قانون باشند. با افزایش تعداد افرادی که به بی‌دینی گرایش پیدا می‌کنند، ممکن است نگرش جامعه نسبت به حجاب نیز تغییر کند. این تغییرات می‌تواند منجر به فشار بیشتر برای اصلاح قوانین حجاب یا کاهش تأثیر اجتماعی آن شود. در برخی موارد، افراد بی‌دین ممکن است به دلیل فشارهای اجتماعی یا خانوادگی مجبور به رعایت حجاب شوند، حتی اگر اعتقادی به آن نداشته باشند (آزادارمکی، ۱۳۸۱: ۸۸). این موضوع می‌تواند باعث ایجاد تنش در روابط فردی و اجتماعی شود (سیف‌اللهی، ۱۳۷۳: ۲۲۴) و از آنجایی که در ایران، حکومت بر اساس اصول اسلامی اداره می‌شود و حجاب به عنوان نمادی از پابندی به این اصول تلقی می‌شود. بی‌دینی و مخالفت با حجاب می‌تواند به عنوان چالشی برای حکومت تلقی شود و ممکن است منجر به برخوردهای قانونی یا اجتماعی با افراد بی‌دین شود. بنابراین دولت و نهادهای دینی ممکن است با چالش‌هایی در اجرای قوانین مربوط به حجاب مواجه شوند، این چالش‌ها می‌تواند شامل مقاومت بیشتر افراد در برابر قوانین حجاب اجباری و افزایش فشارهای اجتماعی برای تغییر این قوانین باشد.

## ۲-۳. عدم آگاهی و شناخت صحیح از حجاب

یکی از عوامل سست شدن حجاب و ضعیف بودن مراعات آن در جامعه، تبیین نشدن منطق حجاب در مقاطع مختلف سنی و تحصیلی است (طیب، ۱۳۷۸: ۶۹). حجاب میوه درخت شناخت به شمار می‌رود و تنها کسانی که از زمینه‌های معرفتی و ریشه‌های محکم اعتقادی برخوردار باشند، می‌توانند از این میوه بهره ببرند (پور سید آقایی، ۱۳۷۹: ۱۴). در حقیقت شناخت صحیح فلسفه حجاب و عواقب آن یکی از اهرم‌های اصلی مقید شدن به حجاب و عفاف است (بهرامشاهی، ۱۳۸۸: ۱۱۸).

بنابراین در برخی موارد، افراد به دلیل عدم آگاهی کافی از فلسفه و اهمیت حجاب، آن را به عنوان یک محدودیت و اجبار تلقی می‌کنند. این نگاه منفی می‌تواند باعث مقاومت در برابر فرهنگ‌سازی در این زمینه شود (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۱۵۷). نسل جوان به دنبال دلیل و منطق برای پذیرش هر موضوعی است. اگر نتوانند فلسفه حجاب را درک کنند، ممکن است آن را نپذیرند و به سمت بی‌حجابی گرایش پیدا کنند. این موضوع به ویژه در جوامعی که فرهنگ غربی به شدت تأثیرگذار است، مشهودتر است. والدین و مربیانی که خود از فلسفه حجاب آگاهی ندارند، نمی‌توانند این ارزش را به درستی به نسل بعد منتقل کنند. این ضعف در انتقال ارزش‌ها می‌تواند به کاهش رعایت حجاب در جامعه منجر شود. افرادی که از فلسفه حجاب آگاهی ندارند، در مواجهه با شبهات یا انتقادات نسبت به حجاب، توانایی دفاع منطقی و قانع‌کننده را نخواهند داشت. این ضعف می‌تواند باعث تردید در باورهای خودشان و دیگران شود. پس در غیاب آگاهی از فلسفه حجاب، افراد ممکن است تحت تأثیر فرهنگ‌ها و سبک‌های زندگی دیگر قرار بگیرند که حجاب را محدودیت یا امری غیرضروری می‌دانند. این موضوع می‌تواند به ترویج بی‌حجابی و تقلید کورکورانه از فرهنگ‌های دیگر منجر شود.

عدم آگاهی و فقدان شناخت کافی از مبانی فقهی و حقوقی مرتبط با حجاب نیز نقش مؤثری در گسترش پدیده کم‌حجابی و بی‌حجابی ایفا می‌کند؛ زیرا در غیاب تبیین علمی فلسفه تکالیف شرعی و اهداف قانون‌گذار، افراد غالباً حجاب را صرفاً به‌عنوان یک الزام صوری تلقی کرده و نسبت به ابعاد حقوقی، اخلاقی و اجتماعی آن بی‌تفاوت می‌مانند. این وضعیت موجب می‌شود تا حجاب در نظر افراد نه به‌عنوان حقی مرتبط با نظم عمومی، صیانت از کرامت انسانی و تأمین سلامت روانی جامعه، بلکه به‌عنوان محدودیتی متعارض با آزادی‌های فردی تصور شود.

در حالی که تبیین صحیح آموزه‌های فقهی و کارکردهای حقوقی حجاب، می‌تواند زمینه ارتقای آگاهی عمومی، تقویت احساس مسئولیت و در نهایت کاهش رفتارهای مغایر با الزامات قانونی و ارزش‌های اجتماعی را در پی داشته باشد. بنابراین به جهت اینکه قانون‌گذار در جمهوری اسلامی ایران، الزام به حجاب را برای تأمین نظم عمومی، حمایت از کرامت انسانی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی وضع کرده است، در صورت عدم تبیین درست این اهداف برای جامعه، قوانین تنها جنبه‌ی بازدارنده و سلبی پیدا می‌کنند و اثر ایجابی خود را از دست می‌دهند.

## ۲-۴. نقش رسانه‌ها و فضای مجازی

رسانه‌ها و فضای مجازی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای تأثیرگذار بر افکار عمومی، می‌توانند هم به عنوان یک فرصت زمینه ساز آرامش باشند و هم به عنوان یک تهدید در زمینه فرهنگ‌سازی حجاب التهاب ایجاد کنند (ذاکری همامانه، ۱۳۹۰: ۳۷)؛ زیرا رسانه‌ها در پیدایش عادات، تغییر در باورها، خلق و خوی و رفتار انسان‌ها تاثیر بسزایی دارند (خراسانی، ۱۳۸۶: ۲۴). در حقیقت رسانه‌ها از طریق معرفی الگوها و هنجارهای خاص اجتماعی می‌توانند باعث همسویی و هم‌نواپی و به نوعی فرهنگ‌سازی در بین مردم جامعه شوند (حسینی فر و ابوالحسنی، ۱۳۹۰-۲۱-۴۸). از همین رو رسانه‌ها می‌توانند با شگردهای ارتباطی و هنری بطور مستقیم موجب تضعیف یا تقویت حجاب و عفاف شوند. به عنوان مثال شخصیت پردازی نامناسب از بانوان عقیف و محجبه و قرار دادن آن‌ها در نقش‌های منفی موجب تحقیر و تضعیف عفاف و حجاب می‌شود (پیشوایی و رضایی، ۱۳۸۶: ۳۱).

تأثیر رسانه‌ها و فضای مجازی بر پدیده‌هایی مانند بی‌حجابی موضوعی پیچیده و چندوجهی است که می‌تواند از جنبه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، روانی و حتی اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد. رسانه‌ها و فضای مجازی با نمایش سبک‌های زندگی مختلف، به ویژه از فرهنگ‌های غربی، می‌توانند هنجارهای اجتماعی و فرهنگی را تحت تأثیر قرار دهند. نمایش مدل‌های لباس و سبک‌های پوشش متفاوت باعث می‌شود برخی افراد به تدریج از هنجارهای سنتی فاصله بگیرند (عاملی، ۱۳۹۰: ۲۱۲) و به سمت بی‌حجابی یا بدحجابی گرایش پیدا کنند. همچنین می‌توانند با ارائه محتواهایی که حجاب را به عنوان یک انتخاب شخصی و نه یک الزام دینی یا فرهنگی معرفی می‌کنند، نگرش افراد را تغییر دهند. این موضوع می‌تواند به ویژه در میان جوانان که بیشتر در معرض این محتواها هستند، تأثیرگذار باشد. برای برخی افراد، به ویژه نسل جوان،

فضای مجازی می‌تواند به عنوان فضایی برای ابراز هویت و تعلق به گروه‌های خاص عمل کند. بنابراین اگر در این فضا بی‌حجابی به عنوان نماد آزادی، مدرنیته یا پیشرفت تلقی شود، ممکن است برخی افراد برای ابراز هویت خود به سمت آن گرایش پیدا کنند؛ زیرا در فضای مجازی، به ویژه در شبکه‌های اجتماعی، فشار همسالان و تأثیرات اجتماعی می‌تواند بسیار قوی باشد. اگر در یک گروه یا جامعه مجازی خاص بی‌حجابی به عنوان هنجار پذیرفته شده تلقی شود، ممکن است افراد برای پذیرفته شدن در آن گروه به سمت بی‌حجابی گرایش پیدا کنند.

از آنجایی که فضای مجازی دسترسی به اطلاعات و دیدگاه‌های مختلف را فراهم می‌کند. این موضوع می‌تواند باعث شود افراد با دیدگاه‌های متفاوت درباره حجاب آشنا شوند و در نتیجه، نگرش‌های سنتی خود را مورد بازبینی قرار دهند. برخی ممکن است تحت تأثیر این اطلاعات به سمت بی‌حجابی حرکت کنند. رسانه‌ها و فضای مجازی نقش مهمی در تبلیغ مد و صنعت پوشاک دارند. اگر در این فضا بی‌حجابی یا حجاب کمتر به عنوان یک مد معرفی شود، ممکن است برخی افراد تحت تأثیر این تبلیغات قرار بگیرند و به سمت آن گرایش پیدا کنند. بعلاوه رسانه‌ها و فضای مجازی می‌توانند به عنوان ابزاری برای مقاومت در برابر هنجارهای سنتی عمل کنند. افرادی که احساس می‌کنند تحت فشار هنجارهای سنتی قرار دارند، ممکن است از فضای مجازی برای ابراز مخالفت خود با این هنجارها استفاده کنند و بی‌حجابی را به عنوان نمادی از این مقاومت انتخاب کنند. در نهایت باید گفت که نمایش مداوم تصاویر و محتوایی که بی‌حجابی را به عنوان نماد زیبایی، آزادی یا موفقیت معرفی می‌کنند، می‌تواند بر روان افراد تأثیر بگذارد و باعث شود برخی افراد برای افزایش اعتماد به نفس یا جلب توجه به سمت بی‌حجابی گرایش پیدا کنند.

### ۳. راهکارهای فرهنگ‌سازی در حجاب

برای مقابله با چالش‌های فوق و ترویج حجاب به عنوان یک ارزش فرهنگی، راهکارهای متعددی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد:

#### ۳-۱. آموزش و آگاهی‌بخشی

یکی از مهم‌ترین راهکارها، آموزش و آگاهی‌بخشی در مورد فلسفه و اهمیت حجاب است. این آموزش‌ها باید از سنین کودکی در خانواده آغاز شود؛ زیرا کودک به سبب زودباوری و تقلید،

فکر پدر و مادر و خانواده را می‌پذیرد و روح و روان او از این طریق تکامل می‌یابد (قائمی، ۱۳۵۶: ۱۱۳) و به صورت مستمر در مدارس، رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و سایر مراکز فرهنگی ادامه یابد. خانواده و مدرسه به عنوان دو نهاد اصلی آموزشی، نقش کلیدی در ترویج عفاف و حجاب دارند. آموزش‌های غیرمستقیم و الگوسازی در خانواده و همچنین برنامه‌های آموزشی در مدارس می‌تواند به شکل‌گیری نگرش‌های مثبت نسبت به حجاب کمک کنند. استفاده از روش‌های نوین آموزشی مانند بازی‌های آموزشی، فیلم‌ها، کارگاه‌ها و برنامه‌های تعاملی می‌تواند تأثیر آموزش را افزایش دهد و باعث جذب بیشتر افراد، به ویژه جوانان به این ارزش‌ها شود.

در عصر حاضر، شبهات و تحریفات زیادی درباره حجاب و عفاف وجود دارد. آموزش می‌تواند با ارائه پاسخ‌های منطقی و مستدل به این شبهات، از تضعیف این ارزش‌ها جلوگیری کند و افراد را در برابر القانات منفی مصون نگه دارد؛ زیرا از طریق آموزش، می‌توان ارزش‌های دینی و اخلاقی مرتبط با عفاف و حجاب را تقویت کرد و همچنین نگرش‌های مثبت نسبت به حجاب و عفاف را در افراد ایجاد و رفتارهای متناسب با این ارزش‌ها را تقویت کرد. این امر به ویژه در بین نسل جوان که در معرض تأثیرات فرهنگی مختلف قرار دارند، اهمیت زیادی دارد؛ چرا که باعث شود که حجاب به عنوان یک هنجار اجتماعی پذیرفته شود (ملک‌محمدی، ۱۳۹۴: ۶۴).

آگاهی و شناخت درست از فلسفه، اهداف و ارزش‌های مرتبط با حجاب می‌تواند به افراد کمک کند تا با درک عمیق‌تر و دلیلی محکم‌تر به این عمل روی آورند. آگاهی از فلسفه حجاب و دلایل شرعی، فرهنگی و اجتماعی آن باعث می‌شود افراد به جای پیروی کورکورانه، با شناخت و اعتقاد قلبی به حجاب پایبند باشند. بنابراین شناخت مفاهیمی مانند حفظ کرامت انسانی، حریم خصوصی و ارزش‌های اخلاقی مرتبط با حجاب، به تقویت نگرش مثبت به آن کمک می‌کند. این آگاهی باعث می‌شود حجاب نه به عنوان یک اجبار، بلکه به عنوان یک انتخاب آگاهانه و ارزشمند در زندگی فردی و اجتماعی پذیرفته شود.

آموزش و آگاه‌سازی شهروندان نسبت به مبانی فقهی و حقوقی رعایت عفاف و حجاب، با تبیین تکالیف و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی مندرج در قوانین موضوعه و نیز تبیین حقوق متقابل افراد در این حوزه، منجر به تقویت فرهنگ قانون‌پذیری، ارتقاء مسئولیت‌پذیری اجتماعی و درونی‌سازی ارزش‌های فقهی-حقوقی مرتبط با عفاف و حجاب می‌شود. در حقیقت این فرآیند آموزشی به صورت غیرمستقیم و از طریق مکانیسم‌های پیشگیرانه نرم، زمینه

ساز نهادینه سازی و ترویج داوطلبانه این ارزشها در بافت اجتماعی می‌گردد.

### ۲-۳. استفاده از رسانه‌ها و فضای مجازی

رسانه‌ها و فضای مجازی می‌توانند به عنوان ابزارهای قدرتمند در فرهنگ‌سازی حجاب مورد استفاده قرار گیرند؛ زیرا می‌توانند پایدارترین یادگیری و تربیت را برای مخاطب به ارمغان بیاورند (نوری مطلق، ۱۳۸۳: ۹۵). رسانه می‌تواند با الگوسازی درست و شایسته در ارتقای شخصیت زنان و بهبود سطح فکری و فرهنگی آنان اثرگذار باشد (درخشش، ۱۳۷۹: ۷۸).

در عصر حاضر، رسانه‌ها و فضای مجازی به عنوان ابزارهای قدرتمند ارتباطی و فرهنگی، نقش بسزایی در شکل‌دهی به افکار عمومی و ترویج ارزش‌های اجتماعی ایفا می‌کنند. یکی از موضوعاتی که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته، تأثیر مثبت این ابزارها بر ترویج حجاب و ارزش‌های مرتبط با آن است. با گسترش دسترسی به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، فرصت‌های جدیدی برای معرفی و ترویج حجاب به عنوان یک ارزش دینی و فرهنگی فراهم شده است. رسانه‌ها و فضای مجازی با تولید محتوای متنوع و جذاب، امکان آشنایی بیشتر افراد با مفهوم حجاب و فلسفه آن را فراهم کرده‌اند. از طریق ویدئوها، پادکست‌ها، مقالات و پست‌های شبکه‌های اجتماعی، افراد می‌توانند با دلایل دینی، فرهنگی و اجتماعی حجاب آشنا شوند. این آگاهی‌بخشی به ویژه برای نسل جوان که بیشترین استفاده را از فضای مجازی دارند، بسیار مؤثر است. فضای مجازی این امکان را فراهم کرده است که زنان محجبه‌ای که در عرصه‌های مختلف علمی، ورزشی، هنری و اجتماعی موفق هستند، به عنوان الگو معرفی شوند. این چهره‌ها با حضور فعال در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها، نشان می‌دهند که حجاب نه تنها محدودیت نیست، بلکه می‌تواند همراه با پیشرفت و موفقیت باشد. این الگوسازی به ویژه برای جوانان و نوجوانان می‌تواند انگیزه‌بخش باشد. شبکه‌های اجتماعی و سکوها فضای امکان تشکیل گروه‌ها و جامعه‌های مجازی را فراهم کرده‌اند که در آن‌ها افراد با اشتراک‌گذاری تجربیات، نظرات و اطلاعات، یکدیگر را در مسیر حفظ و ترویج حجاب حمایت می‌کنند. این جامعه‌ها می‌توانند به عنوان فضایی امن برای تبادل نظر و دریافت مشاوره عمل کنند و به تقویت روحیه افراد در مواجهه با چالش‌های مرتبط با حجاب کمک کنند. فضای مجازی این امکان را فراهم کرده است که در مقابل شبهات و نقدهای نادرست درباره حجاب، پاسخ‌های مستدل و منطقی ارائه شود. با تولید محتوای علمی و مستند، می‌توان به سؤالات و ابهامات پاسخ داد و

تصویر درستی از حجاب به عنوان یک انتخاب آگاهانه و ارزشمند ارائه کرد. این امر به ویژه در شرایط کنونی که حجاب با چالش‌های فرهنگی و اجتماعی مواجه است، بسیار حائز اهمیت است. رسانه‌ها و فضای مجازی با استفاده از ابزارهای خلاقانه مانند انیمیشن، اینفوگرافیک، موشن گرافیک و ویدئوهای کوتاه، می‌توانند مفاهیم مرتبط با حجاب را به شیوه‌ای جذاب و قابل فهم به مخاطبان عرضه کنند. این نوع محتواها به ویژه برای نسل جوان که به دنبال جذابیت و نوآوری هستند، بسیار مؤثر است و می‌تواند نگرش مثبتی نسبت به حجاب ایجاد کند. فضای مجازی مرزهای جغرافیایی را از بین برده و امکان تبادل فرهنگی را در سطح جهانی فراهم کرده است. از این طریق، زنان مسلمان در سراسر جهان می‌توانند تجربیات و دیدگاه‌های خود درباره حجاب را به اشتراک بگذارند و فرهنگ حجاب را به عنوان بخشی از هویت اسلامی به جهانیان معرفی کنند. این امر به تقویت همبستگی میان زنان مسلمان و معرفی حجاب به عنوان یک ارزش جهانی کمک می‌کند. رسانه‌ها و فضای مجازی این امکان را فراهم کرده‌اند که حجاب به عنوان یک انتخاب شخصی و آگاهانه معرفی شود، نه یک اجبار. با نمایش تجربیات واقعی زنان محجبه و بیان دلایل شخصی آن‌ها برای انتخاب حجاب، می‌توان این پیام را منتقل کرد که حجاب می‌تواند نمادی از آزادی و هویت فردی باشد.

### ۳-۳. الگوسازی و معرفی الگوهای موفق

معرفی الگوهای موفق و مشهور که حجاب را به عنوان بخشی از هویت خود پذیرفته‌اند، می‌تواند به ترویج این ارزش فرهنگی کمک کند؛ زیرا رقابت سالم و سازنده سبب رشد و پیشرفت در زمینه‌های گوناگون می‌شود و از همین رو در دین مبین اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد (خرمی مشگانی، ۱۳۸۳: ۹۹) و از طریق این همانندی و تقلید، پوشش مناسب در جامعه رواج می‌یابد (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۲۹). این الگوها می‌توانند شامل شخصیت‌های علمی، هنری، ورزشی و اجتماعی باشند که با حفظ حجاب، به موفقیت‌های بزرگی دست یافتند. الگوهای موفق می‌توانند به عنوان منبع الهام برای دیگران عمل کنند. زمانی که افراد موفق با حجاب و پوشش اسلامی در عرصه‌های مختلف مانند علم، هنر، ورزش، یا کسب‌وکار دیده می‌شوند، این

- 1 - Animation
- 2 - Infographic
- 3 - Motion Graphics

تصویر مثبت می‌تواند دیگران را به رعایت حجاب تشویق کند. دیدن موفقیت‌های این افراد نشان می‌دهد که حجاب مانعی برای پیشرفت و موفقیت نیست و حتی می‌تواند به عنوان یک ارزش در زندگی فردی و اجتماعی مطرح شود. از آنجایی که ممکن است نگرش‌های منفی یا کلیشه‌هایی نسبت به حجاب وجود داشته باشد. معرفی الگوهای موفق با حجاب می‌تواند این نگرش‌ها را تغییر دهد و نشان دهد که حجاب نه تنها محدودیت نیست، بلکه می‌تواند همراه با موفقیت، اعتماد به نفس و شخصیت قوی باشد. این الگوها می‌توانند تصویر واقعی‌تری از زن مسلمان ارائه دهند و کلیشه‌های نادرست را از بین ببرند. الگوهای موفق با حجاب می‌توانند به تقویت هویت اسلامی در جامعه کمک کنند؛ زیرا این افراد نشان می‌دهند که می‌توان همزمان با حفظ ارزش‌های اسلامی، در عرصه‌های مختلف پیشرفت کرد. این موضوع به ویژه برای نسل جوان اهمیت دارد؛ زیرا آن‌ها می‌توانند با الهام گرفتن از این الگوها، هویت خود را با اعتماد به نفس بیشتری بیان کنند. زمانی که افراد موفق با حجاب در جامعه دیده می‌شوند، این موضوع به افزایش پذیرش اجتماعی حجاب کمک می‌کند. مردم به تدریج حجاب را به عنوان بخشی طبیعی از جامعه می‌پذیرند و این امر به کاهش تبعیض و افزایش احترام متقابل منجر می‌شود. انسان‌ها به طور طبیعی تمایل به تقلید از افراد موفق دارند. وقتی الگوهای موفق با حجاب در جامعه حضور پررنگی داشته باشند، دیگران به ویژه جوانان تمایل بیشتری به رعایت حجاب پیدا می‌کنند. این تقلید می‌تواند به تدریج به یک فرهنگ تبدیل شود و حجاب را به عنوان یک ارزش اجتماعی تثبیت کند. حضور الگوهای موفق با حجاب می‌تواند فشارهای اجتماعی برای عدم رعایت حجاب را کاهش دهد و به افراد نشان دهد که می‌توانند با حفظ حجاب، جایگاه خود را در جامعه حفظ کنند و حتی ارتقا دهند.

### ۳-۴. تقویت هویت دینی و فرهنگی

تقویت هویت دینی و فرهنگی از جمله عناصر اساسی تشکیل دهنده شخصیت فردی و اجتماعی انسان هاست. این هویت نه تنها در شکل‌گیری باورها و ارزشهای افراد نقش دارد، بلکه بر رفتارها، سبک زندگی و حتی پوشش آنها نیز تأثیرگذار است. در این میان، حجاب و پوشش به عنوان یکی از مصادیق بارز هویت دینی و فرهنگی، از تأثیرات عمیق این دو عنصر بهره می‌برد (گران پایه، ۱۳۷۷: ۳۹). تقویت هویت دینی و فرهنگی می‌تواند تأثیرات مثبت و قابل توجهی بر نگرش افراد نسبت به حجاب و پوشش داشته باشد. هویت دینی به معنای

شناخت و باور عمیق نسبت به آموزه‌ها و دستورات دینی است. زمانی که افراد به هویت دینی خود واقف باشند و آن را به عنوان بخشی از وجود خود بپذیرند، به طور طبیعی به رعایت دستورات دینی از جمله حجاب پایبند می‌شوند؛ چرا که در این حالت حجاب درونی و جزئی از وجدان شخص می‌شود به گونه‌ای که نقض آن احساس خطا و شرم را بر می‌انگیزد و شخص تعهد وجدانی دارد که آن را محترم شمرد (نیک‌گهر، ۱۳۷۸: ۲۸۸). تقویت هویت دینی باعث می‌شود افراد حجاب را نه به عنوان یک اجبار، بلکه به عنوان یک ارزش دینی و تکلیف الهی بپذیرند. این نگرش، التزام به حجاب را افزایش داده و آن را به یک رفتار خودجوش و درونی تبدیل می‌کند. تقویت فرهنگی نیز نقش مهمی در ترویج حجاب ایفا می‌کند؛ زیرا در جامعه ما حجاب به عنوان یک ارزش فرهنگی و نماد اصالت و احترام به خود و دیگران شناخته می‌شود. تقویت هویت فرهنگی باعث می‌شود افراد به ارزشهای فرهنگی جامعه خود افتخار کنند و حجاب را به عنوان بخشی از میراث فرهنگی خود حفظ کنند. این امر نه تنها به حفظ حجاب کمک می‌کند، بلکه آن را به عنوان یک نماد هویت بخش در جامعه ترویج می‌دهد.

تقویت هویت دینی و فرهنگی باعث ایجاد احساس تعلق به جامعه و مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌شود. افرادی که به هویت دینی و فرهنگی خود واقف هستند، خود را بخشی از یک جامعه بزرگتر می‌دانند و برای حفظ ارزشهای آن احساس مسئولیت می‌کنند. این احساس تعلق و مسئولیت، آنها را به رعایت حجاب و پوشش مناسب ترغیب می‌کند؛ چرا که حجاب را نه تنها به عنوان یک وظیفه فردی، بلکه به عنوان یک مسئولیت اجتماعی در قبال جامعه و نسلهای آینده می‌بینند. در عصر جهانی سازی و تهاجم فرهنگی، تقویت هویت دینی و فرهنگی به عنوان یک سپر محافظ عمل می‌کند. از آنجایی که جامعه ما امروزه با چالشهایی مانند بیگانگی فرهنگی و تغییر سبک زندگی مواجه هست، تقویت هویت دینی و فرهنگی به افراد کمک میکند تا در برابر این تهاجمات مقاومت کرده و اصالت خود را حفظ کنند. حجاب به عنوان یکی از نمادهای اصالت دینی و فرهنگی، در این فرآیند نقش مهمی ایفا می‌کند و تقویت هویت دینی و فرهنگی به حفظ و ترویج آن کمک می‌کند. هویت دینی و فرهنگی قوی به افراد عزت نفس و خودباوری می‌بخشد. افرادی که به هویت خود واقف هستند و به آن افتخار می‌کنند، کمتر تحت تأثیر فشارهای اجتماعی یا مدهای زودگذر قرار می‌گیرند. این عزت نفس باعث می‌شود آنها حجاب را به عنوان بخشی از هویت خود بپذیرند و با افتخار آن را رعایت کنند. این نگرش مثبت به حجاب، نه تنها به

حفظ آن کمک میکند، بلکه آن را به عنوان یک ارزش والا در جامعه ترویج می‌دهد. هویت دینی و فرهنگی قوی در خانواده‌ها باعث انتقال ارزشها و باورها به نسل آینده می‌شود. خانواده‌هایی که به هویت دینی و فرهنگی خود پایبند هستند، حجاب را به عنوان یک ارزش به فرزندان خود آموزش می‌دهند. این انتقال ارزش‌ها نه تنها به حفظ حجاب در نسل فعلی کمک می‌کند، بلکه تضمین‌کننده تداوم آن در نسلهای آینده نیز هست.

### ۳-۵. ایجاد فضای امن و احترام‌آمیز

فضای امن و احترام‌آمیز به محیطی اطلاق می‌شود که در آن افراد بدون ترس از قضاوت، تبعیض یا خشونت، بتوانند عقاید، باورها و سبک زندگی خود را بیان کنند. ایجاد فضایی امن و احترام‌آمیز برای افرادی که حجاب را رعایت می‌کنند، می‌تواند به ترویج این ارزش فرهنگی کمک کند. در چنین فضایی، افراد بدون ترس از قضاوت یا تبعیض، می‌توانند به رعایت حجاب تمایل پیدا کنند. در چنین فضایی، تنوع فرهنگی و فردی به رسمیت شناخته می‌شود و افراد احساس می‌کنند که به عنوان انسان‌هایی با حقوق برابر مورد احترام قرار می‌گیرند. در جامعه‌ای که فضای امن و احترام‌آمیز حاکم است، افراد احساس می‌کنند که انتخاب‌های شخصی آن‌ها، از جمله انتخاب پوشش، مورد احترام قرار می‌گیرد. این احساس امنیت روانی و اجتماعی می‌تواند منجر به پذیرش داوطلبانه و آگاهانه حجاب شود. زمانی که افراد مجبور نباشند از ترس قضاوت یا مجازات، حجاب را رعایت کنند، بلکه از روی اعتقاد و احترام به ارزش‌های فرهنگی و دینی خود آن را بپذیرند، حجاب به عنوان یک ارزش درونی شده و پایدارتر خواهد بود. در فضای احترام‌آمیز، افراد می‌توانند بدون ترس از تحقیر یا تبعیض، درباره پوشش خود تصمیم بگیرند. این آزادی انتخاب نه تنها باعث افزایش رضایت فردی می‌شود، بلکه به تقویت همبستگی اجتماعی نیز کمک می‌کند. زمانی که افراد احساس کنند که انتخاب‌های آن‌ها محترم شمرده می‌شود، احتمال بیشتری وجود دارد که به ارزش‌های جامعه، از جمله حجاب، احترام بگذارند. زمانی که فضای جامعه بر پایه احترام و گفت‌وگوی سازنده استوار باشد، مقاومت‌های اجتماعی در برابر قوانین و هنجارها کاهش می‌یابد. در مورد حجاب نیز، اگر افراد احساس کنند که نظرات و نیازهای آن‌ها شنیده می‌شود و به آن‌ها احترام گذاشته می‌شود، احتمال همکاری و همراهی آن‌ها با هنجارهای اجتماعی بیشتر می‌شود. این رویکرد می‌تواند به جای ایجاد تنش و تقابل، به تقویت انسجام اجتماعی منجر شود (زرافشان، ۱۳۹۳: ۴۳). در فضای امن و احترام‌آمیز، آموزش و آگاهی‌بخشی

درباره حجاب می‌تواند به شیوه‌ای مؤثرتر انجام شود. زمانی که افراد احساس امنیت و احترام کنند، بیشتر تمایل دارند تا درباره دلایل و فلسفه حجاب به عنوان یک ارزش فرهنگی و دینی بیاموزند. این آگاهی می‌تواند به پذیرش عمیق‌تر و پایدارتر حجاب منجر شود.

#### ۴. آثار فرهنگ سازی نسبت به قوانین مرتبط با عفاف و حجاب

فرهنگ‌سازی نقش کلیدی در اجرا و پذیرش قوانین مرتبط با عفاف و حجاب دارد. این موضوع به ویژه در جامعه ما که حجاب به عنوان یک هنجار اجتماعی و قانونی مطرح می‌شود، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در اینجا به برخی از جنبه‌های نقش فرهنگ‌سازی در این زمینه اشاره می‌شود:

##### ۴-۱. تسهیل پذیرش اجتماعی

فرهنگ‌سازی می‌تواند به افزایش پذیرش اجتماعی قوانین مرتبط با عفاف و حجاب کمک کند، به این معنا که با ایجاد آگاهی، آموزش و نهادینه کردن ارزش‌های مرتبط با عفاف و حجاب در جامعه، می‌توان زمینه‌های پذیرش و رعایت این قوانین را در بین افراد افزایش داد. فرهنگ‌سازی به معنای تغییر نگرش‌ها، باورها و رفتارهای افراد از طریق ابزارهایی مانند آموزش، رسانه، هنر و گفت‌وگو است. وقتی این ارزش‌ها به‌طور گسترده در جامعه ترویج شود، افراد به‌طور داوطلبانه و از روی درک و اعتقاد، این قوانین را رعایت می‌کنند و این موضوع به کاهش مقاومت و افزایش همکاری اجتماعی منجر می‌شود. در نتیجه، فرهنگ‌سازی به عنوان یک فرآیند بلندمدت، می‌تواند نقش مهمی در نهادینه کردن قوانین عفاف و حجاب در جامعه ایفا کند.

در حقیقت زمانی که افراد جامعه به‌طور عمیق با ارزش‌ها و دلایل پشت این قوانین آشنا شوند، احتمال مقاومت یا نادیده گرفتن آنها کاهش می‌یابد. آموزش و آگاهی‌بخشی می‌تواند به افراد کمک کند تا حجاب را نه به عنوان یک اجبار، بلکه به عنوان بخشی از هویت فرهنگی یا دینی خود ببینند. بنابراین فرهنگ‌سازی در زمینه حجاب، اگر به درستی و با رویکردی اقتناعی و مبتنی بر احترام به انتخاب فردی انجام شود، می‌تواند به پذیرش اجتماعی آن منجر شود. این فرآیند نیازمند زمان، صبر و مشارکت همه بخش‌های جامعه است تا بتواند به تدریج نگرش‌ها را تغییر دهد و حجاب را به عنوان یک ارزش فرهنگی و دینی در جامعه نهادینه کند. این مهم می‌تواند به زنان کمک کند تا با حفظ حجاب، در عین حال نقش‌های فعال‌تری در جامعه ایفا کنند و در نهایت

منجر به ارتقای جایگاه زنان در جامعه و افزایش مشارکت آن‌ها در عرصه‌های مختلف شود.

#### ۲-۴. تقویت ارزش‌های اخلاقی و دینی

فرهنگ‌سازی می‌تواند به تقویت ارزش‌های اخلاقی و دینی مرتبط با عفاف و حجاب کمک کند. بنابراین با ایجاد یک فرهنگ مناسب و برنامه‌ریزی‌شده، می‌توان ارزش‌های اخلاقی و دینی مرتبط با عفاف و حجاب را در جامعه تقویت کرد. البته این فرآیند نیازمند همکاری نهادهای مختلف مانند خانواده، آموزش و پرورش، رسانه‌ها و نهادهای دینی است تا بتوانند به‌طور هماهنگ در جهت نهادینه‌کردن این ارزش‌ها تلاش کنند. فرهنگ‌سازی در مورد حجاب و پوشش مناسب می‌تواند به افراد کمک کند تا هویت دینی و فرهنگی خود را بهتر درک کنند و به آن پایبند باشند. این امر باعث می‌شود افراد به ارزش‌های دینی و سستی خود افتخار کنند و آنها را در زندگی روزمره خود رعایت کنند و در نتیجه همین امر ارزش‌هایی مانند حیا، عفت و احترام به خود و دیگران و بطور کلی معنویت و ارتباط با خدا تقویت می‌شود و ناهنجاری‌های اجتماعی مانند بی‌حیایی، هرزه‌گری و بی‌بند و باری تضعیف می‌شود. حجاب و پوشش مناسب به عنوان نمادی از احترام به کرامت انسانی، می‌تواند به افراد کمک کند تا به جای توجه به ظواهر و جسم، به شخصیت و ارزش‌های درونی یکدیگر توجه کنند که این امر باعث ارتقای سطح روابط انسانی و کاهش نگاه ابزاری به افراد می‌شود؛ زیرا فرهنگ‌سازی در مورد حجاب و پوشش می‌تواند به افراد یادآوری کند که هر فرد در قبال رفتار و ظاهر خود مسئول است و این مسئولیت‌پذیری می‌تواند به سایر حوزه‌های زندگی نیز تسری یابد. همچنین می‌تواند به کاهش فشارهای روانی ناشی از توجه افراطی به ظاهر و مقایسه‌های اجتماعی کمک کند که همین امر باعث می‌شود افراد بیشتر بر رشد شخصیتی و معنوی خود تمرکز کنند و به تبع آن جامعه‌ای سالم، منسجم و پایبند به اصول اخلاقی و دینی شکل می‌گیرد.

#### ۳-۴. کاهش مقاومت و تعارض

از آنجایی که از منظر آسیب‌شناختی بی‌حجابی یکی از مصادیق انحراف و کج روی است و به تعبیری فرد رفتاری ناسازگار با هنجارها و انتظارات جامعه دارد (کوئن، ۱۳۷۲: ۲۱۵) و خلاف فرهنگ جاری و قانون مندی‌ها و انتظارات مطلوب جامعه عمل می‌کند (شیخی، ۱۳۸۰: ۱۰۹) و موجب تنش‌ها و تضادهایی در جامعه می‌شود (محسنی، ۱۳۷۵: ۲۸۳). بنابراین از آنجایی که قوانین مرتبط با حجاب ممکن است با مقاومت یا نارضایتی بخشی از جامعه مواجه شود و این مقاومت

می‌تواند ناشی از تفاوت در دیدگاه‌ها، ارزش‌ها یا تفسیرهای فردی از آزادی و حقوق شخصی و همچنین ناآگاهی یا سوء تفاهم باشد، فرهنگ‌سازی می‌تواند به کاهش این مقاومت کمک کند. با ایجاد درک متقابل و نشان دادن مزایای فردی و اجتماعی رعایت عفاف و حجاب، می‌توان از بروز تعارضات و تنش‌های اجتماعی جلوگیری کرده این رویکرد مبتنی بر گفت‌وگو و درک متقابل است و هدف آن کاهش مقاومت‌ها از طریق تغییر نگرش‌ها و باورهاست، نه از طریق اجبار. در حقیقت به جای اعمال قوانین به صورت دستوری، فرهنگ‌سازی سعی می‌کند با ایجاد آگاهی و نشان دادن مزایای فردی و اجتماعی رعایت حجاب، افراد را به پذیرش داوطلبانه این هنجارها تشویق کند. بنابراین فرهنگ‌سازی می‌تواند به ایجاد فضایی متعادل و مبتنی بر احترام متقابل کمک کند و زمانی که حجاب به عنوان یک انتخاب شخصی و قابل احترام معرفی شود، احتمال برخوردهای خصمانه یا تعارضات اجتماعی کاهش می‌یابد؛ چرا که اگر فرهنگ‌سازی به درستی انجام شود، می‌تواند فشارهای اجتماعی ناشی از اجبار یا تحمیل را کاهش دهد و زمینه‌ساز گفت‌وگوهای سازنده بین گروه‌های مختلف جامعه باشد.

#### ۴-۴. ایجاد هماهنگی بین قانون و فرهنگ

به طور کلی فرهنگ‌سازی می‌تواند به ایجاد هماهنگی بین قوانین رسمی و فرهنگ عمومی کمک کند. زمانی که قوانین با ارزش‌ها و باورهای فرهنگی جامعه همسو باشند، اجرای آنها آسان‌تر و پایدارتر خواهد بود. در غیر این صورت، ممکن است قوانین به صورت سطحی و بدون پذیرش عمیق اجرا شوند. در واقع، زمانی که قوانین با ارزش‌ها و باورهای فرهنگی جامعه هماهنگ باشند، مردم آن قوانین را به عنوان بخشی از هویت و فرهنگ خود می‌پذیرند و اجرای آنها به طور طبیعی و داوطلبانه انجام می‌شود. این هماهنگی باعث می‌شود قوانین به راحتی اجرا شوند و در طول زمان پایدار بمانند؛ زیرا مردم آنها را منصفانه و مرتبط با زندگی خود می‌دانند، اما اگر قوانین با ارزش‌ها و باورهای فرهنگی جامعه همسو نباشند، ممکن است مردم آنها را نپذیرند یا فقط به صورت ظاهری و تحت فشار اجرا کنند و در نتیجه، اثربخشی کمتری دارند. این عدم هماهنگی می‌تواند منجر به مقاومت، بی‌اعتمادی یا حتی نقض قوانین شود. این مهم بطور خاص در زمینه قوانین مرتبط با حجاب و عفاف نیز صدق می‌کند؛ چرا که اگر قوانینی که درباره حجاب و عفاف نیز وضع می‌شوند، با ارزش‌ها و باورهای عمیق فرهنگی و اجتماعی جامعه هماهنگ باشند، اجرای آنها برای مردم آسان‌تر و طبیعی‌تر خواهد بود. در چنین شرایطی،

افراد این قوانین را نه به اجبار، بلکه به عنوان بخشی از هویت و فرهنگ خود می‌پذیرند و رعایت می‌کنند. در نتیجه، این قوانین به صورت پایدار و بلندمدت در جامعه نهادینه می‌شوند، اما اگر قوانین مرتبط با عفاف و حجاب با ارزش‌ها و باورهای فرهنگی جامعه همسو نباشند، ممکن است مردم آنها را به صورت سطحی و تنها به دلیل ترس از مجازات یا فشارهای اجتماعی رعایت کنند، بدون اینکه پذیرش عمیقی از این قوانین وجود داشته باشد. در این حالت، اجرای قوانین ممکن است با مقاومت یا بی‌تفاوتی مواجه شود و در بلندمدت پایدار نماند. به عبارت دیگر، اگر قوانین مرتبط با حوزه عفاف و حجاب با فرهنگ و ارزش‌های جامعه فاصله داشته باشند، احتمالاً تأثیرگذاری کمتری خواهند داشت و ممکن است تنها به شکل ظاهری و بدون تعهد درونی اجرا شوند.

#### ۴-۵. جلوگیری از تحمیل و اجبار

فرهنگ‌سازی می‌تواند از تحمیل و اجبار در اجرای قوانین عفاف و حجاب جلوگیری کند. زمانی که افراد به‌طور داوطلبانه و از روی آگاهی به رعایت این قوانین تمایل داشته باشند، نیاز به اعمال قوانین سختگیرانه یا مجازات کاهش می‌یابد. رعایت قوانین باید از روی خواست درونی و آگاهی افراد باشد، نه از روی ترس یا اجبار. وقتی افراد به اهمیت و فلسفه قوانین پی ببرند، احتمال پایبندی آن‌ها به قوانین افزایش می‌یابد. وقتی اکثریت جامعه به صورت خودجوش به رعایت حجاب تمایل داشته باشند، قوانین مرتبط با آن به جای ایجاد تنش، به عنوان تأییدی بر ارزش‌های مشترک جامعه تلقی می‌شوند.

بنابراین فرهنگ‌سازی و کاهش اجبار در اجرای قوانین مرتبط با عفاف و حجاب به ایجاد جامعه‌ای متعادل و پایدار کمک می‌کند. در چنین جامعه‌ای، افراد به‌جای مقاومت در برابر قوانین، آن‌ها را به‌عنوان بخشی از هویت جمعی خود می‌پذیرند و این موضوع به کاهش تنش‌های اجتماعی و افزایش همبستگی کمک می‌کند. به عبارت دیگر فرهنگ‌سازی می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر برای نهادینه کردن قانون عفاف و حجاب در جامعه عمل کند و جامعه را از روش‌های قهری و اجبارآمیز بی‌نیاز سازد؛ زیرا فرهنگ‌سازی به جای استفاده از روش‌های سختگیرانه و اجباری، سعی می‌کند با افزایش آگاهی و تغییر نگرش‌ها، افراد را به رعایت داوطلبانه قوانین تشویق کند. این رویکرد باعث می‌شود افراد به‌جای احساس اجبار، از روی درک و پذیرش شخصی به این قوانین پایبند باشند.

لازم به ذکر است که اجرای قانون عفاف و حجاب مستلزم صرف منابع و انرژی زیادی است. فرهنگ‌سازی می‌تواند با کاهش نیاز به نظارت و اعمال قانون، هزینه‌های اجرایی را کاهش دهد و منابع را به سمت برنامه‌های آموزشی و فرهنگی هدایت کند. همچنین اجبار قانونی بدون پشتوانه فرهنگی ممکن است باعث ایجاد حس سرکوب و مقاومت منفی در جامعه شود، درحالی که فرهنگ‌سازی با ایجاد درک و پذیرش عمومی، از بروز چنین احساساتی جلوگیری می‌کند.

#### ۴-۶. تأثیر بر نسل‌های آینده

فرهنگ‌سازی می‌تواند تأثیر بلندمدتی بر نسل‌های آینده داشته باشد. از طریق آموزش و ترویج ارزش‌های مرتبط با عفاف و حجاب در خانواده‌ها، مدارس و رسانه‌ها می‌توان نسل‌های آینده را به گونه‌ای تربیت کرد که به‌طور طبیعی به این ارزش‌ها پایبند باشند؛ زیرا فرهنگ‌سازی در مورد حجاب و عفاف می‌تواند به نسل‌های آینده کمک کند تا هویت فرهنگی و دینی خود را بهتر درک کنند و به آن افتخار کنند. این امر می‌تواند منجر به حفظ ارزش‌های سنتی و دینی در جامعه شود و از گسست‌های فرهنگی جلوگیری کند. فرهنگ‌سازی در مورد حجاب و عفاف می‌تواند به کاهش برخی از آسیب‌های اجتماعی مانند بی‌بندوباری، طلاق و مشکلات خانوادگی کمک کند که این موضوع می‌تواند به ایجاد خانواده‌های مستحکم‌تر و جامعه‌ای با روابط سالم‌تر منجر شود؛ چرا که با تأکید بر ارزش‌های حجاب و عفاف، نقش خانواده به عنوان نهادی که این ارزش‌ها را منتقل می‌کند، تقویت می‌شود و این موضوع می‌تواند به نسل‌های آینده کمک کند تا در محیط خانواده، ارزش‌های اخلاقی و دینی را بهتر درک کنند و به آن پایبند باشند. از همه مهتر فرهنگ‌سازی در مورد حجاب و عفاف می‌تواند به نسل‌های آینده کمک کند تا در برابر تهاجم فرهنگی مقاومت کنند و ارزش‌های خود را در برابر فرهنگ‌های بیگانه حفظ کنند که این امر می‌تواند منجر به حفظ استقلال فرهنگی و هویت ملی شود. در نهایت، فرهنگ‌سازی در مورد حجاب و عفاف می‌تواند به نسل‌های آینده کمک کند تا در جامعه‌ای زندگی کنند که در آن ارزش‌های اخلاقی، دینی و انسانی در اولویت قرار دارد و به همین سبب به شکل‌گیری جامعه‌ای با روابط سالم و مبتنی بر احترام متقابل کمک می‌کند و به تبع آن منجر به کاهش خشونت، تجاوز و سایر رفتارهای ناهنجار اجتماعی می‌شود.

#### ۴-۷. تقویت هویت ملی

به لحاظ اینکه، حجاب به عنوان بخشی از هویت ملی مطرح می‌شود، فرهنگ‌سازی

می‌تواند به تقویت این هویت کمک کند و باعث شود افراد حجاب را نه تنها به عنوان یک قانون، بلکه به عنوان نمادی از فرهنگ و اعتقادات خود ببینند. در حقیقت حجاب تنها یک پوشش نیست، بلکه نمادی از فرهنگ، تاریخ و اعتقادات مذهبی و ملی است. وقتی حجاب به عنوان بخشی از فرهنگ و اعتقادات جامعه پذیرفته شود، افراد آن را نه صرفاً به عنوان یک قانون یا دستور بیرونی، بلکه به عنوان نمادی از هویت جمعی خود می‌بینند. این نگرش باعث می‌شود حجاب به شکلی داوطلبانه و آگاهانه رعایت شود و به بخشی طبیعی از زندگی افراد تبدیل گردد. در واقع، فرهنگ‌سازی می‌تواند حجاب را از یک الزام اجتماعی یا مذهبی به یک ارزش درونی تبدیل کند که افراد به آن افتخار می‌کنند. حجاب به عنوان بخشی از میراث فرهنگی و تاریخی، می‌تواند به حفظ و انتقال این میراث به نسل‌های آینده کمک کند و در برابر هجوم فرهنگ‌های بیگانه، ترویج حجاب می‌تواند به عنوان یک سد فرهنگی عمل کرده و از نفوذ ارزش‌های نامتناسب با فرهنگ بومی جلوگیری کند؛ زیرا حجاب به عنوان بخشی از هویت ملی، می‌تواند احساس تعلق و وابستگی به جامعه را تقویت کند و در سطح بین‌المللی، نیز می‌تواند به عنوان نمادی از مقاومت فرهنگی در برابر جهانی‌سازی و یکسان‌سازی فرهنگی تلقی شود و به ارتقای تصویر ملی در سطح جهانی کمک کند.

### نتیجه‌گیری

مسئله حجاب در جمهوری اسلامی ایران صرفاً یک موضوع فرهنگی یا دینی نیست، بلکه به دلیل تبدیل شدن آن به یک الزام قانونی، بعد حقوقی برجسته‌ای یافته که در تعارض‌ها و چالش‌های معاصر به‌ویژه در مواجهه با پدیده جهانی‌شدن و تحولات اجتماعی، اهمیت مضاعفی پیدا کرده است. در تحلیل حقوقی می‌توان گفت که اجرای قوانین مرتبط با حجاب زمانی اثربخش خواهد بود که این قوانین از پشتوانه پذیرش عمومی و اقناع اجتماعی برخوردار شوند؛ زیرا در غیر این صورت، اجرای صرف و شکلی قانون می‌تواند به مقاومت‌های اجتماعی، نارضایتی عمومی و حتی بی‌اثر شدن اهداف قانون‌گذار منجر شود.

از سوی دیگر، بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که چالش‌هایی نظیر کاهش تدریجی پایبندی دینی در بخشی از جامعه، ضعف در آگاهی بخشی نسبت به مبانی فلسفی و فقهی و حقوقی حجاب، اثرات منفی برخی رسانه‌ها و فضای مجازی و نگاه صرفاً دستوری به مقوله حجاب،

موجب فاصله گرفتن جامعه از فلسفه واقعی این حکم و تقلیل آن به یک تکلیف اجباری شده است. این وضعیت در عمل موجب کاهش اثربخشی قوانین مرتبط با عفاف و حجاب و ایجاد گسست میان قانون‌گذار و شهروندان شده است.

در این میان، رویکرد حقوقی کارآمد به حجاب باید مبتنی بر پیوند عمیق میان قانون و فرهنگ باشد؛ به گونه‌ای که فرهنگ‌سازی صحیح و مبتنی بر اقناع و آموزش، هم به درک فلسفه و حکمت حجاب نزد شهروندان بینجامد و هم موجب کاهش تعارضات اجتماعی شود. راهکارهایی نظیر تبیین علمی و حقوقی مبانی حجاب، ارائه آموزش‌های فراگیر در سطوح مختلف تحصیلی، الگوسازی رسانه‌ای، تحکیم هویت دینی و فرهنگی و ایجاد فضای امن و احترام‌آمیز برای بیان دیدگاه‌ها، می‌تواند اجرای قوانین را از حالت صرفاً الزام‌آور خارج کرده و آن را به رفتاری مبتنی بر انتخاب آگاهانه و درونی تبدیل نماید.

در نهایت، نتایج این پژوهش حاکی از آن است که سیاست‌گذار و قانون‌گذار در حوزه حجاب باید بیش از پیش به هم‌راستایی میان فرهنگ عمومی، الزامات قانونی و تحولات اجتماعی توجه کنند. تکیه صرف بر ابزارهای قهری و مجازات، در غیاب فرهنگ‌سازی حقوقی و اجتماعی، نه تنها مانع بروز آسیب‌های فرهنگی نخواهد شد بلکه می‌تواند تعارضات اجتماعی را تشدید کند. لذا نهادینه‌سازی حجاب در جامعه، مستلزم سیاست‌گذاری فرهنگی همراه با استدلال حقوقی و ایجاد بسترهای لازم برای مشارکت و اقناع مردم است تا حجاب نه به‌عنوان یک تکلیف تحمیلی، بلکه به‌عنوان یک ارزش دینی، فرهنگی و حقوقی مورد پذیرش و احترام قرار گیرد. چنین رویکردی می‌تواند در نهایت به تحکیم هویت ملی و دینی، تقویت انسجام اجتماعی و اجرای مؤثرتر قوانین مرتبط با عفاف و حجاب بینجامد.

## منابع

- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۱). دین و جامعه در ایران امروز، تهران: کویر.
- بهرامشاهی، علی (۱۳۸۸). گلوآژه حجاب، چ اول، قم، نشر رسول.
- پورسیدآقایی، مسعود (۱۳۷۹). حجاب، میوه شناخت، قم، نشر حضور.
- پیشوایی، فریده، رضایی، مریم (۱۳۸۶). حجاب و عفاف در سیما: آسیب‌ها و راهکارها، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- حسینی فر، عبدالرحمن؛ ابوالحسنی، الهه (۱۳۹۰). بررسی نقش تلویزیون در حوزه نقد و شیوه مناظره، مجله رسانه و فرهنگ، (۲)، ۲۱-۴۸.
- خراسانی، احمد (۱۳۸۶). سنجش نگرش جوانان بیننده ماهواره شهر تهران درباره نقش ماهواره در مدگرایی و تغییر رفتار اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ارتباطات. تهران: دانشکده صدا و سیما.
- خرمی‌مشگانی، ابراهیم (۱۳۸۳). چرا حجاب؟، کاشان، مرسل. چ اول.
- درخشش، محمد (۱۳۷۹). بررسی حضور زن در سینما با نگاهی به وضعیت اجتماعی، مجموعه مقالات زن و سینما، چ اول، تهران، سفیر صبح.
- ذاکری‌هامانه، راضیه (۱۳۹۰). بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی و عوامل اجتماعی موثر بر آن (مطالعه موردی: شهر یزد)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، یزد، دانشگاه یزد.
- ریبعی، علی (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی جهانی شدن و هویت، تهران: نشر نی.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران، سروش.
- زرافشان، احمد (۱۳۹۳). مبانی امنیت اجتماعی و حجاب، تهران: نشر میزان.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران: نشر سروش.
- سیف‌اللهی، سیف‌الله (۱۳۷۳). مبانی جامعه‌شناسی، گناباد: نشر مرندیز.
- شیخی، محمد تقی (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی زنان و خانواده، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- طیب، مهدی (۱۳۷۸). حجاب و حقوق زن، تهران: سفینه.
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۰). قدرت نرم و رسانه، تهران: سمت.
- غلام‌پور آهنگر، ابراهیم (۱۳۸۲). تاثیر ساختار سیاست‌گذاری فرهنگی بر بحران هویت، نامه پژوهش فرهنگی، (۸)، ۹۹-۱۲۶.

- قاضی، فاطمه (۱۳۸۶). حجاب دختران، چ ششم، قم: گلستان ادب.
- قائمی، علی (۱۳۵۶). نقش مادر در تربیت، تهران، دفتر تبلیغات اسلامی.
- کلاتری، اسماعیل، تقدسی، فاطمه (۱۳۹۹). اندازه‌گیری و مقایسه نگرش به حجاب و هوش معنوی در بین دانشجویان متأهل و مجرد (مطالعه موردی: مؤسسه آموزش عالی فاطمیه (س) شیراز). پژوهش‌های میان رشته‌ای زنان، ۲(۴): ۶۰-۴۱.
- کوئن، بروس (۱۳۷۲). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه: غلام عباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.
- گران پایه، بهروز (۱۳۷۷). فرهنگ و جامعه، تهران: شریف.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۵). مقدمات جامعه‌شناسی، تهران: نشر دوران.
- ملک‌محمدی، علیرضا (۱۳۹۴). آموزش دینی در جهان معاصر، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- نوری مطلق، علی (۱۳۸۳). نقش رسانه در تبیین دفاع و هجوم فرهنگی، چ اول، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- نیک‌گهر، عبدالحسین (۱۳۷۸). مبانی جامعه‌شناسی، تهران: سمت.